

خبرنامه

1971/11

۱۱

چریک‌های
فدائی خلق
ایران

شهران

باید در جریان مبارزه توده‌ها دوسر
شکل وسط‌حی که باشد قوار
داشت و آنرا ارتقاء داد

با تحریم رفتارندوم هیئت حاکمه راد ر پیشبرد مقاصد ارتجاعیش رسوا کنیم!

۹ ماه از قیام خونین بهمن ماه میگذرد. ۹ ماهی که هر روز آن حادثه‌ای رادر بر داشته است. حاکمیت فعلی که حکومت خویش را مدیون سازش با امپریالیسم و قریب توده‌هاست، با اعتبار قدرت سیاسی خویش، هر روز واقعه میآفریند تا در پیچ و خم این وقایع، تبلیغات عوام‌فریبانه خویش را گسترش داده و مؤثر سازد. برآستی که خصوصیت بارز دارودسته حاکم، توانا تیش در قریب مردم است و عامل بقای اینان نیز همین است.

حاکمیت وقت در تمامی این ۹ ماه کوشیده است به شیوه‌های مختلف و با اتخاذ تاکتیکهای متنوع، از تهمت زدن به چریک فدائی گرفته تا ضد انقلابی خواندن کارگران، از سوء استفاده کردن از احساسات مذهبی مردم و دعوت آنان به صبر و شکیبائی و سکوت در مقابل هرگونه ظلم و اجحاف گرفته تا بیان کثیف‌ترین صفت‌ها به توده‌های مبارز، مردم را سرگرم کرده تا چند صباحی بیشتر بر مسند قدرت تکیه زند. ولی هر جا تبلیغات مسموم کننده آنها کارآیی نداشته است، لحظه‌ای در استفاده از ارتش و پاسداران مزدورشان ایا نداشته‌اند. هر چند که استفاده از این حربه چهره فریبکار آنان را هر چه بیشتر دریده است.

از همان ماههای اول توده‌های آگاه بتدریج متوجه شدند که چگونه حاکمیت وقت ششور انقلابی مردم را در مبارزه علیه شاه و اربابانش، در خدمت تحقق منافع قشری خود بکار گرفته است. فریاد "مرگ بر شاه" توده‌ها مضمون فدا مپریالیستی داشت در حالیکه مخالفت حاکمین وقت صرفاً با دارودسته شاه بود تا با بزرگ کشیدن آنها از قدرت، خود به تخت ولایت فقیه جلسوس نمایند.

آگاهی روبه رشد مردم هر روز بیش از پیش دست ارتجاع را در توسل به شیوه‌های همیشگی فریبکاری می بست و این در شرایطی بود که میبایست بزرگترین خواست توده‌ها در قیام، یعنی تشکیل مجلس مؤسسان، عملی گردد.

ایشبار حاکمین وقت دست به فریبی تازه زدند، فریبی که نیروهای سازشکار را هم بدام خود انداخت. آنها در عین حال که رسماً اعلام کردند توده‌ها ملاحیت اظهار نظر در مسائل سیاسی را ندارند و باید "خبرگان"، یعنی سرسپردگان رژیم، در مورد سرنوشت مردم تصمیم بگیرند، کوشیدند انتخابات مجلس "خبرگان" را هر چه بیشتر با بوق و کرنای تبلیغاتی برپا نموده و بآن چهره دمکراتیک بدهند. ارتجاع با توجه به ارتقای آگاهی مردم بخوبی میدانست که هرگز نخواهد توانست بهمان اندازه "رفتارندوم" توده‌ها را به پای صندوق های رای بکشاند. امری که برای آنان بسیار حائز اهمیت بود. اگر مردم بیای صندوق های رای نمیآمدند، دیگر نمیشد تا با تکیه بر کثرت رای دهندگان، خود را نماینده مردم جلوه داد و این چماق را به سر هر کسی که روی خواست های بحق خویش پای میفشارد، فرود آورد. نیامدن توده‌ها بیای صندوقهای رای آنچنان خطری برای ارتجاع بدنبال داشت که میتوانست بایه‌های حکومت او را، بدلیل آنکه اساس بر فریب مردم نهاده شده‌است، بلرزه درآورد. برای ارتجاع این موضوع چندان اهمیت نداشت که بکدام کاندید رای داده شود. "خبره‌ها قبلاً" از طرف خود آنان انتخاب شده بودند. مهم، کثرت شرکت کنندگان در انتخابات بود. از اینرو میبایست سراغ نیروهای سیاسی مخالف میآمدند و با شرکت دادن نیروهای خوشنام در این انتخابات، از نام آنان برای جبران بدنامی خود استفاده میکردند. برای ارتجاع بسیار مهم بود که با شرکت دادن این نیروها در

مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیریش

انتخابات، از طرفی با ایجاد امید واهی، توده‌ها را از اندیشه درمورد مبارزه واقعی بازداشته و توجه آنها را هرچه بیشتر بطرف این مجلس جلب نماید و از طرف دیگر با کشاندن توده‌های پشتیبان این نیروها برای صندوق‌های رأی، جمعیت شرکت‌کننده را کمتر جلوه دهند. درک این موضوع برای انقلابیون چندان مشکل نبود، ولی نیروهای سازشکار بدام فریب ارتجاع افتادند و در نمایندگان ماهی شرکت کردند که کارگردانش بخوبی میدانست کدام بازیگران باید در صحنه‌های اول باشند و بعد کنار گذاشته شوند. جالب توجه است که نیروهای سازشکار ظاهراً این موضوع را فرض شده اعلام نمودند، با اینحال آنها با اتخاذ تاکتیک شرکت در انتخابات، نیروی توده‌ای خود را در خدمت ارتجاع قرار دادند و عملاً در فریب توده‌ها و رای‌رساندند، حاکمیت در نقشه خود بخوبی موفق شد. حال میتوانست بکار رژیم‌زنی توده‌های پای صندوق رأی و نه خود رأی، بپردازد و در شرایطی که ذهن مردم را بطرف مجلس "خبرگان" و نیروهای سیاسی را سرگرم مسائل مربوط به انتخابات کرده بود، با سودگی درخفا نقشه سرکوب خلق را تهیه ببیند. هنوز مجلس "خبرگان" جا نیافتاده بود که حمله به تمامی نهادهای دمکراتیک آغاز شد و حتی ستادهای نیروهای سازشکار مدعی رهبری طبقه کارگر، که آنهمه خوش خدمتی کرده بودند، نیز از این بورش مومن نماند. جو اختناق دوره آریامهری دوباره حاکم شد. ارتجاع بعدی فریب خود را کاری و خویشتر را در اوج قدرت میدید، که بلافاصله بپوشش نظامی بر علیه خلق کرد را آغاز کرد. علیرغم تبلیغات سوء، این نه فقط بازیگران نخست وزیر منتخب "امام" نه فقط اعضای کابینه او، نه فقط بهشتی‌ها و چمران‌ها و یزدی‌ها و این نایبندگان "امام" و پاسداران منافع امپریالیسم در ایران، نه فقط خلقالی جلا، بلکه فرد فرد اعضای این دارودسته بودند که میگفتند باید به شدیدترین وجه خلق رنج‌دیده و فهرمان کرد را سرکوب کرد. تمامی آنها در این جنایت شریک هستند. آنها فریاد میزدند که جزای هرکسی که با ایسین امر مخالفت کند، چوبه دار است و در حالیکه وعده آویختن چوبه‌های دار را در هر کوی و برزن به توده‌های آگاه و نیروهای انقلابی و بتزنی میدادند، در کردستان به وعده خود عمل نمودند. زخمی‌ها را با برانکاره به میدان اعدام بردند، مردان را شبانه از خانه‌های خود بیرون کشیده و در عرض بهایعت تیرباران کردند و حتی برخلاف اعدای پرطمطراقشان، به زنان حامله و کودکان نیز رحم نکردند.

مجلس "خبرگان" در میان خون و آتش بپاشیده کار خود را آغاز کرد. حکام وقت با یکدست به سرکوب خلقهای ما، که خواستی جز پایان بخشیدن به ستم و استعمار امپریالیستی و نابودی تمامی سیستم سرمایه‌داری و همیشه ایران ندارند، پرداختند و دست دیگر در این مجلس به تدوین قانون اساسی ای که بند بند آن در جهت تحکیم روابط امپریالیستی و حفظ منافع روحانیت است، همت گماشتند.

سرکوب خلق برخلاف دوران شاه بجای ایجاد رعب و وحشت در جامعه، نتیجه عکس خود را برای ارتجاع به ارمغان آورد. مقاومت دلیرانه خلق کرد، پوزه این تازه‌بدوران رسیده‌ها را به خاک مالید و تحصن‌ها و اعتراضات نیروهای خلقی سایر نقاط، مشت آنان را باز کرد. فریادهای "مرگ پیرشاه" به فریادهای بی میلیون بیکار در جستجوی کار تبدیل شد که یکمدا میگفتند: "صبر پس است، عمل کنید". به فریاد دهقانانی تبدیل شد که میخواستند دست زمینداران بزرگ از سرشان کوناه شود و زمین برای کشت داشته باشند. به فریاد میدان‌دلمیر، که دیگر حاضر نبودند شیلات آریامهری را تحمل نمایند، تبدیل شد. به فریاد دانش‌آموزانی تبدیل شد که خواهان آموزش رایگان بودند و دیگر نمیخواستند تحت سیطره فرهنگ امپریالیستی قرار گیرند. به فریاد افشار و طبقات خلقی تبدیل شد که علیه نظام سیستم سرمایه‌داری ایسته قیام نموده بودند. اگر دیروز مقامد پلیس ارتجاع در حفظ ارتش امپریالیستی در زیر شعار فریبکارانه "ارتش برادر ماست" پوشیده مانده بود، ولی سرب‌کداخته گلوله‌های این ارتش و مسزوران

مرگ بردگان کاران و فریبکاران

جدید وابسته بآن در بدنهای مبارزین کرد، عرب، ترکمن، کارگر افغانی و خرورهای، سیاه انزلی و جایی برای لاپوشانی مقاصد واقعی آنان باقی نگذاشت و خون سرخ وینا دایمانی - ها، دکتر روشنها، ناهیدها، گرجی بیانی ها و میرشکاری ها جایی برای این توهم باقسی نگذاشت. در اثر آگاهی خلق و آغاز موج جدید مبارزه، تفادهای درونی دستگاه حاکمه شدت یافت و این خود در آگاهی هرچه بیشتر مردم موثر افتاد.

در جریان انتخابات "شورا" های شهر، با وجود اینکه تبلیغات زیادی روی آن بعمل آوردند و با توجه به عدم شرکت مردم در این انتخابات، آنها دریافتند تا چه حد موقعیت خود را در بین مردم از دست داده اند؛ دریافتند که دیگر سرکوب و فریب های همیشگی کارائی ندارند. وحشت سر پای این دارودسته رهبری طلب را فراگرفت. میبایست به حیل های جدید، به حیل های مردم فریب دست زد. این حیل "میبایست با توجه به کل شرایط جامعه و موقعیت خود آنان طرح ریزی شود و چنان باشد که آثار خون و جنایت را از چهره های آنان پاک کرده و بساز تمام فجایع گذشته را بگردن مهره های از حاکمیت بیاندازد. بنابراین لازم بود بازرگان، این فرد "خوش نام"، فردی که "موفقیتهاش" در تحکیم روابط امپریالیستی و تاءید ناممه های پیش از طرف "امام" مورد غیبه همکارانش گشته بود، فدا شود. پس دولت بازرگان ساقط شد و "شورای انقلاب" به تنهایی مسئولیت امور کشور را بعهده گرفت. چراکه ظاهراً "مسئولیت تمام اغسال فدخلقی هیئت حاکمه با دولت بازرگان بود، ولی چه کسی نمیداند که بعد از قیام هیچ عملی بدون اجازه "شورای انقلاب" و شخص خمینی صورت نگرفته است و بازرگان که خود هنوز هم یکی از اعضای این شورا است، تمام اعمال خود را با نظر تاءیدی "شورا" انجام داده است.

با توجه به جو انفجاری حاکم در جامعه، سقوط دولت بازرگان اگر با مانور جدیدی همراه نبود، موفقیتی بسیار ضعیف بود، لازم بود این اقدام با بازی دیگری کامل شود. "تسخیر" سفارت آمریکا آن بازی مکتبی بود که هیئت حاکمه با تمام عواقب خطرناکش برای حفظ منافع قشری خود بآن دست زد.

مقامی که حاکمیت وقت با "تسخیر" سفارت آمریکا دنبال میکند، عبارت از آنستکه: "اولاً" با ضدامپریالیست نشان دادن خود، پرونده سیاه گذشته اش را از اذهان خلق پاک نماید. ثانیاً با استفاده از احساسات ضدامپریالیستی مردم و القای اینکه گویا در بیکار بین خلق و امپریالیسم، آنها بدلیل ایرانی بودنشان در صف خلق قرار خواهند گرفت، با زهم برگزیده مردم دلیر ما سوار شود تا یکبار دیگر از گسترش مبارزات مردم جلوگیری نماید و سیستم سرمایه داری وابسته را از خطر نابودی نجات دهند، تا بتوانند همچنان حکومت کنند و منافع قشری خویش را تاءید مینمایند. بنابراین هیئت حاکمه میکوشد تا در فضای ایجاد شده، "قانون اساسی" ای را که توسط مجلس خود ساخته "خبرگان" تدوین شده است، به تصویب برساند.

تصویب "قانون اساسی"، همانطور که در مورد انتخابات مجلس "خبرگان" مشاهده شد، بهیچوجه بستگی به تعداد آرای مثبت مردم ندارد. این قانون حتی قبل از آغاز رفتارندوم توسط "فقیه" و "شورای انقلاب" منتخب او، که گویا وصی و قیم مردم اند، به تصویب رسیده است. هدف از به رفتارندوم گذاشتن این قانون، بار دیگر کشاندن توده ها به پای صندوقهای رأی است. مردم به پای صندوقهای رأی میبایند، مهم نیست که رأی منفی بدهند، چراکه هر رأی منفی را میتوان با یک چرخش قلم به رأی مثبت تبدیل کرد. مخصوصاً "که اگر مسئولیت جنبش رفتارندومی برعهده انسان "بیطرف" و "بی غرض" همچون آیت الله هاشمی رفسنجانی باشد، مهم اینست که مردم در آنجا حضور داشته باشند تا آنها بتوانند کثرت جمعیت را در پای صندوقهای رأی، دلیلی بر حقانیت خویش بشمارند. اتفاقی نیست که آنها ماه محرم را برای انجام رفتارندوم انتخاب کرده اند. توجه باین امر، که در این ماه بسبب حضور مردم در مساجد و تکیا امکان تبلیغات هرچه بیشتری برای روحانیت وجود دارد، بخوبی روشن میکند که تا چه حد شرکت

"قانون اساسی"، نقض آشکار حقوق خلقهاست!

مردم در انتخابات برای ارتجاع مسئله‌ای اساسی است و واقعا " برای وی اهمیت حیاتی دارد .
 قانونی که درین بند آن ادامه سلطه سرمایه‌های امپریالیستی بر ایران تضمین شده ،
 قانونی که در هر بند آن مخالفت با کارگران و دیگر نیروهای خلقی قانونیت یافته ، قانونی
 که محرومیت و تحقیر زنان را امدجندان کرده ، قانونی که فریادهای فدا امپریالیستی و حق -
 طلبانه خلقهای ایران را نادیده گرفته و مسئله حق تعیین سرنوشت خلقها را مخدوش میکند ،
 قانونی که حتی واژه " جامعه بی طبقه -توحیدی" را بخود نمیپذیرد ، قانونی که بساط دیکتاتوری
 شاه را در " ولایت فقیه" گسترده است ، قانونی که نمایندگان شورای ملی را ، که تازه منتخب
 مردم هم نمیتوانند باشند ، به عروسکهای خمه شب بازی شورای نگهبان تبدیل میکند ، قانونی
 که گارد جاویدان شاهنشاهی را به لباس سپاه پاسداران درآورده است . قانونی که حق آزادی
 عقیده و بیان را در لفاظه افعالیت فدا سلاخی ممنوع اعلام میدارد ، قانونی که در هوس آن
 با گذاشتن " آکر" و " مکر ها" و شروط مبهم ، دیت حکام را در سرکوب جنبش خلق بازمیکندارد ،
 قانونی بنا به ارتجاعی و نفع و مصالح زحمتکشان و همه مردم آزاده ایران است .
 از اینرو شرکت در فراندوم چنین قانون اساسی و حتی دادن رای منفی بآن ، بهمسلمان
 دلالی که گفته شد ، توهین به خلق ستمکش و مبارز ایران و زیر پا گذاشتن خون ۷۰ هزار شهیدی
 است که برای نجات قوانین بی باکانه سینههای خود را در مقابل کلوله های دشمن گشودند .

خلقهای مبارز ایران !
 حاکمیت کنونی همانطور که تجربه ۹ ماهه خود شما نشان میدهد ، حکومتی وابسته بسسه
 امپریالیسم است . حکومتی است که نه تنها کوچکترین قدمی درخلاف جهت منافی که امپریالیستها
 در ایران دارند برنمیدارد ، بلکه توده های مردم را بجهت اقدام در فریزدن باین منافس
 غارتگرانه ، مورد ستم و آزار قرار میدهد . اینها کمیت هرگز نمیتواند در مبارزه فسید
 امپریالیستی مردم در مقابل قوا زکجهزده رجته در صورت تهاجم نظامی امپریالیسم آمریکا به ایران
 آنها همانند همه حاکمیت های وابسته ، منظور رسمی یا غیررسمی ، در کنار امپریالیسم قسار
 خواهد گرفت ، حرکت شما نیز رفتارندوم آینه تنها برخلاف تبلیغات جا کمیت به ضرر آمریکا نخواهد
 بود ، بلکه بدلیل محتوای این قانون که سراجی بفتح امپریالیسم و سرمایه های انحصاری است ،
 کاملا در جهت تحکیم روابط غارتگرانه امپریالیسم است .
 مملعا ، شما هرگز چنانچائی را که همیشه گفته ام در ۹ ماه گذشته درجی شما می مردم مریکی
 شده است ، فراموش نمیکند . شما خوب میدانید که توبه گری همواره مرگ است . پس بگوشید
 آگاهی خویش را در خدمت شما منافع همه توده های ستمکش بکار گیرید و با عدم شرکت در
 فراندوم ، نه تنها ارتجاع را در پیشبرد اهداف فایسید خود عقیم بگذارید ، بلکه نیروهای
 سازشکاری را هم که ایک در فریب توده ها یکمک ارتجاع شناخته اند و بعید نیست شمارا دعوت
 بیای متذوقهای رای بی شما بینه رسوا کنند .

شماره : ۱۶ / ۹ / ۶
 چریکهای فدائی خلق ایران

مرگ بر امپریالیسم جهانخوار به سرکردگی
 امپریالیسم امریکایی

تقدیم به رفیق احمد زبیرم چریک فدائی / چریکی که راه خود را از درون زندگی صیادان مبارزان سلسی یافت .
 خطبم غوغوین و قهرمانانه مردم انزلی که منجر به شهادت ۲۳ نفر از صیادان زحمتکش این منطقه گشته است ما را بر آن
 داشت که جداگانه یک تحلیل اجنالی از شرایط اقتصادی - اجتماعی صیادان شمال کشور بدست دهیم . گرچه بررسی
 وضع حاکمین روابط صیادان بعنوان بر خورد با کن روابط اجتماعی بعنوان یک کل ویا لایق بدون برخورد با سیاستها
 دولت در مورد منابع طبیعی کشور مثل جنگ مراتع و . . . اگر نکوشیم امکان پذیر نمی باشد لایق کافی نیست / ولی
 ما در این بررسی تلاش می کنیم هر چه کوتاه تر و تا آنجا که لازمست با اجتناب از تفصیل بیشتر ویا اشاره کلی به روابط
 اقتصادی - اجتماعی / نقد به وضعیت اجتماعی - اقتصادی صیادان شمال بپردازیم تا به علل فعلی صیادان آنطور
 که وقایع آنها در اینجا و آنجا شنیده و خوانده ایم بی ببریم ویک موضع درست و انقلابی در برخورد با آن اتخاذ نمائیم .

صید ماهی در طول دریای خزر و رودهایی که به این دریا می ریزند صورت می پذیرد . این رودخانه ها که همگی از طب
 جنگ های دامنه های سلسله جبال البرز من چشمه می گیرند در فصل زمستان محلی خوبی برای صید انواع ماهی ها
 می باشند . و معمولاً گوشت این ماهی ها به علت زندگی در آب شیرین رودخانه لذیذتر از ماهی های دریاست . صیادان
 کد ابریز در شمال کشور فعالیت دارند / دهقانان کم زمین و یا بی زمین بودند که در گذشته در کنار تولید اصلی
 خود یعنی کشاورزی به صید ماهی میپرداختند تا در زمستان در فصل بیکاری از این طریق درآمدی بدست آورند
 و هم اکنون در روستاهای اطراف سواحل دریا این قسم از دهقانان در فصل زمستان به صید میپردازند .
 ولی در گذشته بتدریج که این دهقانان در اثر از دست دادن زمینهای خود به شهرها روانه شدند و پاروستاهایی
 که در آن میبستند به شهر تبدیل گشت / دیگر فعالیت آنها در فصل تابستان عمدتاً به پلاژ داری و یا فروشندگی
 و نظائر آن در سواحل دریا تبدیل شد / و حتی در برخی از روستاهای موجود در کنار دریا / دهقانان در فصل
 تابستان خانه های خود را به مسافرتی که به کنار دریا می آیند اجاره میدهند و از این طریق امرار معاش میکنند .

مسائل صید صیادان بطور کلی بهمان شکل ابتدائی باقیمانده است زیرا کوتاه نگه داشتن دست تولید معاصر این
 رشته از تولید توسط دولتهای مزدور مانع رشد ابتکارات توده ها در این زمینه شد . امروزه مسائل مدرن و غوغوی
 صید بطور عمده در اختیار شرکت شیلات قرار دارد و توده ها توانائی بکارگیری این مسائل را ندارند .

تا قبل از اصلاحات ارضی دو بخش در صید به فعالیت مشغول بودند : الف - بخش دولتی . این بخش کوه
 همان شیلات باشد با وسایل و امکانات مجهز در درون دریا و یا اجیر کردن کارگران که از دهقانان بی چیز
 مناطقی مختلف و عمدتاً دهقانان آذربایجانی بودند / به صید میپرداختند و معایب صید شده را به شیلات
 خانی از کشور صادر می نمودند . شیلات بیشتر به صید ماهی " اوزون برون " (خاویار) میپرداخت و در همان
 موقع هم صید این ماهی از طرف مردم ممنوع بود . گرچه مردم وسایل لازم برای صید این ماهی را که دارای قیمت
 بزرگی است / نداشتند ولی معیشتاً در صید آن علاوه بر مصروفیت قانونی ممنوعیت شرعی هم برای مردم وجود
 داشت و چون در شرایط فعلی این ماهی حرام است . میگویند انگلیسیها برای اینکه صید این ماهی را گنه
 تخم آن همان خاویار است بطور قطعی برای خود نگه دارند به ملامت رسیده اند تا آنها حرام اعلام ندارند
 بـ در بخش دیگر صیادان (همان دهقانان و اهالی شهری که در بالا اشاره شد) بودند که بیشتر در رود
 خانه ها به صید ماهی میپرداختند . رودخانه ها در این مسیر شرایطی که روابط تولیدی قعودالی وجود

داشت در املاک پهلوی برخی از آنها هم جزو املاک دولتی بودند / در آن زمان صیادان این رودخانه هارا کسه اکثرًا در مالکیت افراد و مالکیت املاک پهلوی قرار داشت (در فصل صید) اجاره می کردند و یا پرداخت اجاره که معمولًا مبلغ هنگفتی بود به کارگزاران می پرداختند . آنها ماهیان صید شده را یا خود به بازار شهر عرضه میکردند و یا به دکانداران شهری می فروختند و آنها ماهی ها را برای بازار عرضه میداشتند در هر حال مردمان زیادی تا در این رابطه اضرار فاحش میکردند.

برنامه اصلاحات ارضی که به منظور تسهیل گسترش سرمایه امیرالیستی در شهر روستا پیاده شد / موجب تغییرات زیادی در اقتصاد روستا بلق امیرالیستی و تحسین فقر و فلاکت تو در میای ما شد . اصلاحات ارضی منابع طبیعی کشور را ملی اعلام کرد و آثار در اختیار بورژوازی کیرادور نهاد جنگ های ما به بهانه جلوگیری از بهره برداری بی رویه

از طریق طرحهای بهره برداری مورد غارت بورژوازی وابسته قرار گرفت . مراتع کشور با بهانه دیگری کاساسا چیز جز بیان دیگری از همان بهانه نبود ملی اعلام شد زمینهای که میتوان مراتع در خدمت دامداری ملی ما بود به شکارگاههای خصوصی زمینهای کشاورزی در ایران و سرمایه داران تبدیل شد .

در نتیجه امروز ما شاهدیم که دامداری ما نابود شده است . زمین دامداری ما از زمین بردن تلاطری زمین فعالیتهای بورژوازی کیرادور در بخش امیرالیستی فراهم شود / و از طرف دیگر با آواره نمودن مردم روستاها که اجرای این برنامه ها به دنبال خود داشتن ارتش بیگاران که لازمه صنعت وابسته است در شهرها فراهم شود . میدیم که چگونه بورژوازی

کیرادور با استفاده از تسهیلات دولتی (مصافحت گزینی پرداخت هزینه حفظ و نفع احشام) به غارتگری می پرداخت و امروز مشاهده میکنیم که چگونه با قرار این سرمایه داران خلق ما که اقتصاد ملی اش بطور کامل توسط اقتصاد امیرالیستی از هم پاشیده است از کمبود مواد اولیه حتی گوشت تخم مرغ . . . در رنج است و دولت کومونیس

عقلی در جهت احیای اقتصاد ملی نمی کند و با بی نهایت تلاش در براه انداختن چنین اقتصادی مملکت یعنی عمان تولیدات که در دست به اقتصاد امیرالیستی وابسته است میکشد . اقتصادی که بدون وجود سرمایه داران وابسته همانطور که امروز شاهدیم قادر به تهیه بهترین احتیاجات حیاتی مردم یعنی گوشت و . . . نیست .

چرا رژیم بعد از اصلاحات ارضی برخی از منابع ثروت اجتماعی همین مارا ملی اعلام میکنند و به خدمت خود می گیرند و چرا شیلات را ملی اعلام میکند؟

با اجرای برنامه های اصلاحات ارضی زمینه مساعدی برای گسترش سرمایه های کلان امیرالیستی فراهم شد . با ورود این سرمایه ها بداخل کشور برای دولت وابسته وظایف جدید تری ملن شد اولًا دولت ارتش و دستگاههای بوروکراسی عیسوی و لیبیتری را احتیاج دارد که به مراتب از آنچه که قبلاً وجود داشت پرهزینه تر است . دولت باید تسهیلات لازمه

برای ورود سرمایه های امیرالیستی را فراهم سازد . گمرکات بنادر / راهها (آهن / شوسته) فرودگاهها / وسائل ارتباطی (تلفن تلگراف براد پوستلوزیون) و . . . برای ورود نیاز این سرمایه ها را فراهم سازد . تمام این اقدامات را بر حسب برنامه ها را که در حقیقت برای ویرانی اقتصاد ملی پیاده میشوند و برای اسارت هر چه بیشتر این کشور عاست تحت

عنوان قواعد فرضی توسعه و پیشرفت رشد اقتصادی انجام میدهند . اجرای این طرحها و وظائف و هزینه های زیادی برای دولتهای مزبور در بر دارد . معمولًا این دولتها از طریق اخذ وام از دول امیرالیستی این تسهیلات را انجام می دهند ولی بر برخی از کشورها مثل کشور خود ما ایران که از منابع طبیعی سرشاری مگ فقط مواد معدنی

شیلات / جنگل و . . . برخوردار است دولتها یا این منابع طبیعی را به آنها واگذار کرده و یا این منابع ثروت را

نام عوام فریب‌گلی تمام درآمدش را بخود اختصاص میدهند تا از این طریق تعهدات خود را نسبت به سرمایه‌های امپریالیستی

انجام دهند. یکی از آن نمونه‌ها که می‌توانیم در امریاطیل جنبین برده‌مانی مورب بررسی قرار دهیم صید ماهی است. تا قبل از اصلاحات ارضی/ شیلات/ این موسسه دولتی با تجهیزات و امکانات کافی به صید ماهی در آن بخش‌ها می‌پرداخته و ماهیهای صید شده را به خارج کشور صادر میکرد و درآمدش به صندوق دولت وابسته‌تر از هر چیزی میشد. ولی در کارهای امپریالیست‌ها این مواد غذایی مورد نیاز داخلی به صید ماهی می‌پرداختند. ولی بعد از اصلاحات ارضی دولت مزدور محمد رضا شاه با شعار مزورانه جلوكيری از صيد بی رویه شدیدا "وای تنگی داشتند" وسیله سرکوبی یعنی اسلحه جلوكيری در کوه صید از طرف مردم گرفت و مردم شهر از صرف این مواد غذایی محروم شدند. یعنی این اسلحه جلوكيری در کوه صید از طرف مردم گرفت و مردم شهر از صرف این مواد غذایی محروم شدند.

بلافاصله پس از ملی شدن صید/ بر سر هر رودخانه نزاران مسلح گمازده شد و هر چند رودخانه‌های زیادی در آن زمان قرار گرفت و در روزهای ورودی هر شهر ویا شهرکی زیر کنترل شدید ماهوران مسلح قرار گرفت تا مبادا افرادی صید شده در روز چشم ماهورین مسلح به سایر نقاط حمل شود. رژیم مغزوپهلوی با تمام امکانات خود سعی در کوتاه کردن دست صیادان از صید نمود. بیکار کردن مردم این خطه از این ماده غذایی بی بهره شدند. مخم و نفرت تمام مردم نسبت به رژیم بواسطه اینکه صید ماهی مستقیماً تا همین گونه مواد غذایی شان بوده برانگیخته شد. بواسطه این رابطه تنگاتنگ است که مبارزات صیادان بلافاصله مورد حمایت مردم قرار گرفت. رژیم مغزوپهلوی برای اینکه وظائف خود را بدرستی انجام دهد برای اینکه ماهیها در دریا را بطور کامل برای کشورهای امپریالیستی نگذارد و برای اینکه از نفع درآمد حاصل آن بتواند وظایف خود را در جهت منافع امپریالیستی بدرستی انجام دهد سفاکانه بسوی صیادانیکه در دل شب و در سرمای سوزان و مستقلی با قضایا استقامتی

ببیابانه دل امواج غضبناک و خروشان دریا را میشکافند. گلوله‌های آمریکائی شلیک میکرد آنها را دستگیر و جرمه ویا زندانی مینمود ولی از آنجائیکه زندگی مردم این خطه باین امور وابسته بود چاره‌ای نداشتند. چاره اینکه سرکار مبارزه با طبیعت قهار مبارزه با رژیم سفاک را با خشونت هرچه تمامتر بیاورند. مبارزه‌ایکه تنها شیرشان در مقابل شلیک گلوله دستهای خالی و سینه فراوی و دماغشان بود. ولی صیادان قهرمان ما از پای ننشستند. وظیفه مبارزاتی را بر عهده گرفتند و شهادت آنیکه در این سن

رابطه داده‌اند به صید یعنی عمده‌ترین مصدر زندگی خود ادامه میدادند. عاقبت اکثر رژیم دست‌نمده خیل جدیدی از رژیم ادعا میکرد تمام این صنوبرینها بخاطر جلوكيری از صيد بی رویه است و همین‌چوچه ضد دارند که روزی صیادان را پس‌پیشهاد کرد که صیادان در جهت تعاونی‌ها جمع شوند و به صید بپردازند.

شرکت تعاونی صید:

شرکت تعاونی صید اصولاً بخاطر این تشکیل شد که نشان دهند ضد رژیم این نیست که صیادان را بیکار کند بلکه برای جلوكيری از صيد بی رویه است. در حقیقت شرکت ضمن تأمین کار برای صیادان از مهارشان استفاده کرده تا ماهیهای صید شده را به خارج از کشور صادر کند و از روی آن به بازار داخلی جلوكيری نماید. نحوه عملکرد شرکت تعاونی چنین است. شرکت قراردادی با یک نفر بشمار سر صیاد درمزدت مینوی (فصل صید) می‌بندد تا تا صید در مذاکره‌ایکه شیلات تعیین میکند با استفاده از کارگران صیاد که خود استخدام میکند صید شود و ماهی صید شده را کلاً تحویل شیلات دهد. شیلات این ماهیها را به قیمت نازک که در سال خود تعیین میکند و بازار آزاد ویا صیادان بهیچ وجه در آن دخالت ندارند. از

صیادان می‌خورد. وسایل و امکانات لازمه را جلگن شیلات در اختیار سر صیاد قرار میدهد و این وسایل عملاً ابتدائی هستند. همانطوریکه گفتیم صیادان بهیچ وجه حق ندارند ماهی صید شده را به غیر از شیلات به کسی دیگری عرضه کنند. در حقیقت

حق خرید انحصاری از آن شیلات استوار کرد این زمینه تخلف صورت گیرد/ یعنی اگر صیاد ماهیهای صید شده را به کس دیگری عرضه ویا حتی اگر بران صرف خانوادگی خود بر دارد قرارداد منفس میگرد و شیلات دیگر هرگز با آن قرارداد نمی بندد . بطالین که گفته شد نشان میدهد که چگونه منابع طبیعی کشور نیز نیروی کار این جوامع در خدمت نیازمندان بیهای اقتصاد امپریالیستی است علاوه برآن گفتنی است که کارگران شیلات اقصا نامر شرایط بدتر از شرایط قرون وسطا بسر میبرند از هیچگونه حقوق طبیعی برخوردار نیستند محل کارشان عمان الاقیقهای است که در کنار دریا بناگردد . . . میسازند . سوز و سرما در کنار دریا در فصل زمستان هر آن جیان کارگران را در معرض خطر قرار میدهد و گفتنی است که کارگران شیلات از هیچگونه حقوق صنفی برخوردار نیستند / آنها بیشتر کارگران فصلی هستند / و هر وقت که شیلات بخواهد می تواند کارگران را اخراج کند / محل کارشان طوری است که سلامت کارگران در شرایط سرما و توفان سوزنده دریا در خطر است . و عمایانوی که گفتیم شرکت تعاونی در حقیقت وسیله ای برای استفاده از مهارت صیادان محرب در امر صید و تربیت و فروش ماهی در بازارات قاطع آن بود . رژیم به آن چیزی که میخواست یعنی صدور کامل این ماده غذائی به خارج و نیز تشنه صیادان در آب حاصله از آن وسیله دولت جهت خرید به امپریالیسم / نائل آمد . مهارت بیگانه صیادان مهارت محلی معنوی بود وهای مردم و صیادان بهرور کسی باعث شد که در کنار صید کمپرادوری یک صید آزاد بنام صید "تاجان" شکل بگیرد . صیادان با استفاده از صیاد بدون ادوات دولتی به مأمورین کار شیلات و زنده آفری ماهانه مقرری شایسته بخوان رشوه میدادند و آنچه آزادانه به صید می برد اختتام بنام این با توجه به مسائل ابتدائی صید و کجایی ماهی در بازار و رشوه رشوه قیمت ماهی بسیار گران بود و تنها متعولین قادر بر صرف ماهی بودند . و این موضوع همواره ناراضی بشدید صورت نمیداد به رژیم قلمبسیار میبود . چنانچه در کنار این صیادان بهر از قیام بهین یاز هم مأمورین را اندر امری و کار شیلات دیگر کنترل دولتی در امور صید از بین رفته و صیادان درابتدا آزادانه به صید ماهی میبردند / جالب اینجاست که مردم چین بیاطر و بیفروتن را در این / رشوه می دادند که از این گونه های تبلیغاتی خود شعار ضد سرمایه داری و وابسته را میدهند . حتما صید را از این صیادان دیگر از حرکت انقلاب مردم از این ماده غذائی بهره مند میشوند و اگر بر اثر فرار سرمایه داران کمپرادور کمبود مواد غذائی از جمله گوشت شدیداً احساس میشود / در عین صیادان / این مردان صبور و زحمتکار با بازان نیرومند خود غذای مردم را تاهین می کنند و دولت هم باید از این زحمات صیادان بسی قدرتی کند . و لیس ضلعتان / این مردمانی که زندگی به آنها همواره در سپاس آمیزت / این مردمانی که به اقتضای طبیعت کار خود شمان کون آرامش ظاهری دریا را خواهند خورد و همواره هوشیارند و همواره پس از هر آرامش انتظار طوفانی بی خطرناکتر دارند / طوفانی که زندگی و تمام ریاضت تولیدی شان را در یک طرفه المین درهم پیچیده به قلب دریا میسازد / عوشارانه از زمین برای روشن شدن وضع خود تمام اقدامات قانونی را انجام دادند / آنها از فروردین ماه ملی نامه ای به سران دولت و امام خولستار روشن شدن وضع خود بود هاند ولی رژیم به هیچوجه به آنها پاسخ روشنی نداده و امروز با همه فردا موکوب کرد . زیرا برنامه رژیم از زمین معلوم بود و آن این بود که با عمای شمار گذشته جلوگیری از صید بی روشنی و رابط گذشته را ادامه دهد . و این چیزی بود که نه مردم و نه صیادان نمی توانستند بپذیرند رژیم میدانست که مردم به مقابله با آن خواهند پرداخت و رژیم تا آن موقع هنوز مردوران نشوی خود را سازمان نداده بود موضع خود را روشن نمیگردد . بتدریج کمزوریان رشوه سازان می یافتند ما اینجا و آنجا شاهد معانعت های پاسداران از صید بودیم ولی این بنسار تحت نام "حفاظت از بهت المال" این معانعت ها حتی در برخی از نواحی منجر به برخورد شدید شد . بالاخره هر چه که فصل صید در هر یک از صیادان خواهد بود و مشکلی که به دولت فشار میآورد . صیادان گروه گروه در استانها

فرمانده اربابا و... تخصص می نمودند و خواستار روشن شدن وضع خود بودند و دولت همواره موضوع را به امروز و فردا موکول میکرد. نتیجه تمام این اقدامات صیادان منجر به عقد توافقاتی بین دولت و صیادان شد. طبق توافقی که در این دوران صیادان آزاد و شیلات تا تعیین تکلیف قطعی یعنی تاریخ ۲۵/۷/۵۸ از صید منع شدند. صیادان که در این دوران گران و قحطی کمرشکن مانند تمام زحمتکشان تاب و تحمل آنها را از بین برده بود / بن صبرانه منتظر پایان موعده مقصد نشسته بودند ولی ناگهان با تمام کمزوری وضع در فصل تابستان با تعجب مشاهده کردند که در روز ۲۳/۷ یعنی ۲ روز قبل از پایان موعده توافق شده / شیلات اقدام به صید ماهی نمود. این عمل در شرایطی از طرف شیلات انجام میشد که قبلا در این فاصله برای مقابله با مردم / مردمی که در انتظار فرارسیدن موعده مقرر روز شماری میکردند نیروی خود را بوسیله فراخواندن پاسداران کلکی از مرکز تقویت کرده بود.

ولی بر خلاف تصور بیکاره در شعله‌های خشم و نفرت مردم محاصره شدند. مردم برای قطع کردن دست این مزدوران از منابع طبیعی بیکارچه به اتوبیلهای حامل ماهی شیلات حمله بردند و تمام ماهیهای صید شده را صادر کرده و آنها را بین مردم تقسیم نمودند. این آغاز درگیری مردم بود با مزدوران شیلات که قبلا برای خون‌پیزی به این شهر آمده بودند. مزدوران در انتظار این لحظه کین کرده بودند و به محس اینگونه مردم به حالت اغتراس بسوی شیلات رفتند بطرف آنها شلیک کردند. بیکاره شهر بیکارچه علیه رژیم متحد گشت خبر این جنایت بلافاصله به تمام شهرها / از طریق کومه ارتباط صیادان این خطه رسید و صیادان شهرها / بسرعتا بهرگی کمک بر فقای خود به انزلی سرازیر شدند. خشم و نفرت مردم به حدی بود که دیگر گلوله‌های این مزدوران / خلی در آزاده شان نمیتوانست به وجود آورد / هرچه رژیم در موضع خود باقی میماند / مردم متحدتر و ششگ تر میشدند. شعار "رفیق خینی / رفیق دولت وابسته /" "میتلسر" آسوده بخواب خینی بیدار است / بسرعت ورد زبانها گشت مود و در دیوار شهر را پرشانند / ترس بر اندام رژیم افتاد و بلافاصله با یک مأمور تاکتیکی به عقب نشینی پرداخت آنها که در ابتدا مبارزات مردم را ضد انقلابی و... مینامیدند آنها که این مبارزات را تحریکات ضدانقلابی مینامیدند بیکاره لحن گفتار را عوض نمودند / آنها تمام این اقدامات را با گردن مسئولین شیلات گذاشتند و خود را از این اقدامات بی اطلاع نشان دادند. آنها باین طریق خواستند سمت اصلی مبارزات توده‌ها را منحرف سازند و خشم و نفرت مردم را بسوی مسئولین امور جلوه دهند نه کل رژیم و سیستم. بلافاصله صید را بطور مشروط آزاد اعلام کردند. صید آزاد اعلام شد مشروط بر اینکه صیادان ماهی حرام گوشت یعنی همان ماهی خاویار را صید نکنند. شیلات کماکان خاویار را برای صدور به هتل‌های غربی در انحصار خود نگه داشته با اعلام موضع جدید صیادان با قفسه و ام ابزار و وسائل صید تهیه کردند. ولی بنظر ما این یک عقب نشینی تاکتیکی است اگر رژیم بتواند به بحران درونی خود فائق آید / بلافاصله بشکل دیگری صیادان و مردم را از ماهی محروم میکند. ولی در این شرایط دولت چون مواجه با مقاومت وسیع و قهر آمیز صیادان قهرمان خواهد شد / از هر گونه اقدام دیگری خود داری برزیده است.

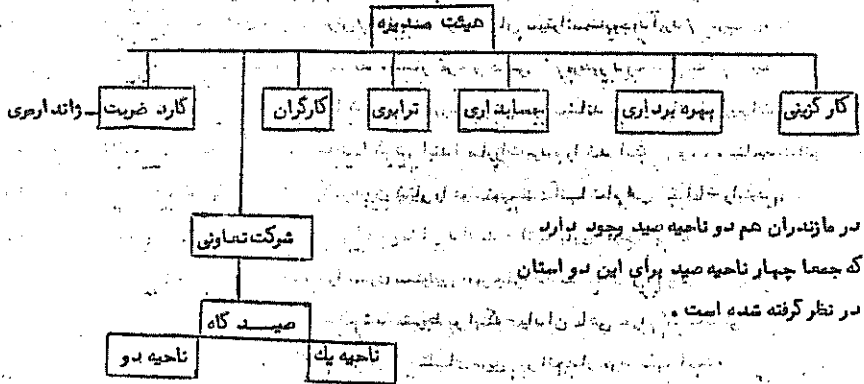
با ایمن پسه پیروزی راهمان

در حاشیه شیلات بندر انزلی و چگونگی عملکرد آن :

شیلات بندر انزلی در سالهای گذشته به علت اینکه در سواحل جنوبی بحر خزر واقع میباشد و این منطقه از نظر صید ماهی اهمیت بسیاری دارد / ابتدا توسط روسها تأسیس شد . در آن زمان کلیه بهره برداری آن توسط روسها کنترل میشده است . در سال ۱۳۳۲ بواسطه بدتر شدن بهره برداری مستقیم آن از دست روسها خارج شد . در آنگاه شیلات هم اکنون از ماهی خاویار که به کشورهای دیگر جهان صادر میگردد / تعیین میشود بطوریکه طبق آمار تخصصین بهره برداری در سال / ۱۱ الی ۱۲ میلیون تومان ضرر نشان میدهند که این مبلغ از راه فروش خاویار تأمین میگردد . شیلات شامل این قسمتهاست :-

- ۱ - هیئت مدیره
- ۲ - اداره کل شیلات کیلان
- ۳ - اداره کل شیلات مازندران
- ۴ - سازمان تحقیقاتی شیلات
- ۵ - تکثیر و پرورش ماهی - کتالیم شیپوران - صید بینگر - رشت
- ۶ - اداره کل امور مالی
- ۷ - امور اداری

در زمان حاضر اداره کل شیلات کیلان - بندر انزلی



تا حسن رود کپورچان

ماهی صید شده در کپورچان صید شد . شمشو - طاق انجماد - طاق تکماری - بازار صرفس که شامل ۱ - داخلی (فقط ماهی قلندار - کپورسوف / ماهی سفید / کفال / ژرد پرو ۰۰۰) ۲ - بازار خارجی (ماهی غضروفی) که شامل کشورهای اروپایی و آمریکا میباشد .

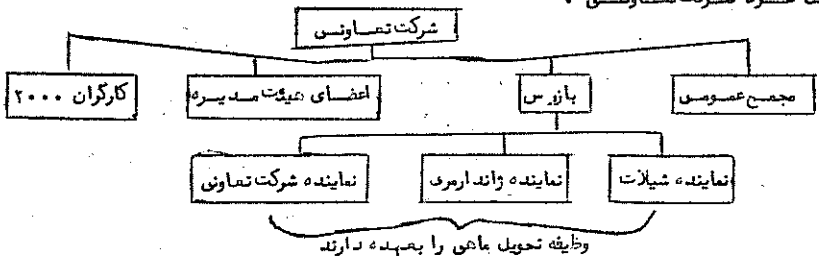
با توجه به نمودار فوق به نقل و ابستگی این موسسه ضد صیادی (بقل مردم) و وابستگی آن به کشورهای سرمایه داری می خواهیم برد . گارد ضربت شیلات / که چنان سرکوبی برای صیادان آزاد بوده است با مجهزترین قایق ها به

به گشت زنی مداوم میرداخته و در دریا و خشکی بتعمیق صیادان مشغول بوده است . بنا به اظهار یکی از کارگران شیلات / در سال چفته میلیون تومان بحساب واگذارمری در تهران واریز میگردد . سرکوب صیادان به بهانه های " صید بی رویه " / " انقراض نسل ماهی " و . . . صورت میگرفت . کارگران شیلات در قسمتهای فروشگاه ماهی سردخانه / انبار و ترابری کار میکنند . در رژیم سابق گروه کثیری از کارگران شیلات یکبار برای کسب پاره ای حقوق خسود دست به حرکات اعتراض آمیز زده / از جمله از تخلیه انومبیلهای حامل ماهی و تکمیل ماهیها جلوگیری بعمل آوردند و در رابطه با خواسته های خود اعتصابی براه انداختند که توانستند کارگران قسمت ترابری و کارمندان شیلات را نیز به این اعتصاب بکشانند این وضع مدت چهار ماه ادامه داشت و در طی این مدت کار صید و فروشیهای را شرکت تعاونی بسجده داشته . بعد از ۲۲ و ۲۱ بهمن / کارگران نمایندگان برگزیدند / تا از طریق آنان / در پاره پاره ای خواسته های صنفی خود (طرح طبقه مشاغل / بدون گروه و طبقه کاری) با هیئت مدیره وارد مذاکره شوند .

شرکت تعاونی و رابطه آن با شیلات :

قبلا " هدف از تشکیل شرکت تعاونی را دیدیم / این شرکت برای شیلات نیروی کار ارزان دست و پا مینماید . بدین طریق که در شرکت در فصل غیر کشاورزی که روستائیان برای تا بهین مایحتاج زندگانشان روانه شهرها میشوند / قسمتی از این نیرو را جذب و چون این شرکت تمهید به صید شیلات است / در زیر چتر حمایت ابزار سرکوب شیلات (واگذارمری) قرار دارد و با گذاردن وسائل صیادی و وام در اختیار این نیروهای کاری و روزیده که از روستا به شهر آمده اند و بدلیل وضعیت اجتماعی / از سطح توقع پائینی برخوردارند / به استیجار آنها هم پرداخت . اغلب این کارگران از شهرهای خلخال / مشکین شهر / اردبیل به آستارا تا آستراآباد منتقل شده و در سالنهای ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفری اسکان داده میشوند (نمونه این وضع را در چمخاله لنکورد می بینیم) تهیه وسایل زندگی بسجده خود این زحمتکشان است . ششسره کار آنها یعنی ماهیهای صید شده کیلوش ۳۰۰ ریال به شیلات تحویل داده میشود (البته با تلفاتی که ناشی از لقیقت و لیس نمایندگی شیلات و واگذارمری و شرکت تعاونی است) ظاهرا شیلات این ماهی را کیلوش ۳۵۰ ریال بفروشد با در نظر گرفتن هزینه حمل سردخانه سنگداری و چنین امری موجب ضرر شیلات خواهد شد اما این ضرر اساسا فروش خاویار جبران میگردد . در بندر انزلی اغلب صیادان شیلاتی ضوابط این شرکت را به علت فقر اقتصادی قبول میکنند تصدات صیادان در کل گیلان در حدود ۲۰۰۰ نفر است که در ۲۷ شرکت تعاونی عضویت دارند .

عملکرد شرکت تعاونی :



محل صید شرکت تعاونی در بندر انزلی / حسن رود (۵ کیلومتری بندر انزلی) و کپورچال (۷ کیلومتری این بندر در جاده رضوانشهر) میباشد بدینوسیله است قیمت ماهی صید شده را شیلات با توجه به ضوابط خود تعیین می نماید و شرکت صیادان (کارگران) دخالتی در آن ندارند که این دلیل استثمار شیلات است .

صید شده را در اختیار فرمانداری انزلی قرار دهد و روشگامی از طرف شهرداری آنها را بفرشند . ولی با توجه به اینکه شرکت تعاونی امکاناتی از قبیل ابزار ماهی در سردخانه و امکانات شور کردن ماهی و . . . راندن است فرماندار از قبول امر

سر بازرسی .

شیلات عمدتاً وظایف زیر را بنفع سرمایه داران وابسته انجام میدهد :

۱- سوسیله این مؤسسه که در این منطقه "جنوب خیز" واقع است و عدم ای از صیادان قدیمی در آن کار میکنند کلیه موارد صید و طالعیه چگونگی آن توسط کارشناسان شیلات تحت کنترل قرار میگیرد . در حال حاضر فقط قسمت اداری آن سوخته و سایر قسمتها کار انجام میدهد .

۲- با توجه به وسایل سرکوب نهائیاً به دستگاههای بیروگراسی وابسته کله نموده و منافعشان را تا همین می نماید صدها مای غرضوف به آمریکا سونگنرهای اروپایی که طار قرار دارند . انجام میگیرد و خوابار که سود سر شاری نصیب کشورهای غارتگر می نماید .

۳- معمواره صیادان / شیلات را با منافعشان در تضاد می بینند و چون برای صید آزاد راه چاره ای ندارند عده کمی در خدمت این مؤسسه ضد مردمی قرار می گیرند .

۴- سایرین بوسه به بهانه های از قبیل صید بی رویه / مقرر شدن تعداد ماهی مقومل میشود و حال اینکه این توجه خواننده را فقط برای صیادان آزاد مردم سر میدهد و در عوض خود با نورافکنهای بسیار قوی به صید می پردازد و با توجه به شناسایی مناطق دریا و صید ماهی / مخصوصاً خوابار سود کلانی بدست میآورد .

بیشتر صیدها با "گشتی صیادی" و "گرجی" انجام میشود . شرکت تعاونی چه وظایف در رابطه با شیلات انجام میدهد :

۱- واسطه ای است با تقویه دولتی که نیروی ارزان کار در اختیار شیلات قرار میدهد (از آستارا تا استرآباد)

باعث میشود که مردم شیلات را مستقیماً در برابر صیادان قرار ندهند / و با ایفای نقش میانجی / رویوشی برای عمل فساد مردمی شیلات فراهم میکند .

۲- سهام داران وام و اعتباراتی از قبیل تور سوسایان ماهیگیری دیگر باعث میشود که شمره کار صیادان عضو شرکت را مستقیماً در اختیار شیلات قرار دهد .

صیادان آزاد و رابطه شان با بازار صرف :

صیادان آزاد مانند خوش نشینها یا کارگران کارخانه میباشند که جز نیروی کار چیزی ندارند . شمره کارشان تمسب سرمایه داران محلی و واسطه ها و سماک گمنی که ماهی را شور میکند " میگردند . این صیادان در فصل بهار و تابستان تمیر صید " از سماکان پول فروش میکنند . در فصل صید " پانیزو رستان " سرمایه داران تور و وسائل دیگر در اختیار ماهیگیران که خودشان به آنها قرض داده اند میکنند . به این ماهیگیران "مالا" یا "تاله" میگویند . این ماهیگیران صید میکنند و به بازار به جلوی دکان همان سماک میآورند . در این جا واسطه ها ماهیها را درجه بندی میکنند و همیشه درجه ۲ و ۳ از درجه ۱ یعنی ماهیهای خوب و اشیلان یا باصطلاح محلی "باج" بیشتر است . نرخ بازار در دست واسطه هاست که با سرمایه داران محلی تمام مستقیم دارند . ماهیها را حراج میکنند که خریدارانشان اغلب دلالها یا دلال همان دلالان میباشند . پولیکه سماک از این باب به ماهیگیر میدهد با احتساب واسطه کارها و قسطی که بابت استیلاک قرض کسر میگردد مبلغ ناچیزی خواهد بود که ماهیگیر به سختی میتوانند توسط آن زندگی خود را تا این نماید (تازه اگر جوان عصب باشد و نیروی کار داشته باشد) بازار فردا آن همان و کباب همان خواهد بود . بدلیل اینکه دریا معدن نیست و تضمین

در آبانماه ۱۳۵۷ تمام پاسگاهها توسط دهقان محلی به تصرف درآمده و بعد از فرار ماهورین و تخلیه آنها بهاتن کیشوده خد پاسگاههای شکاریان آبکار محاصره و استند سرکستان سیاه درویشان و نیز در ویرج دیدمانی و کهمانسر تریاک کشیهای عبدالرضا پهلوی و صالح به آتش کشیده شد . در این عملیات دهقانان تماما مسلح بودند .

در سال ۱۳۵۶ استند سه محیط بان در سرکستان به نام صیادان مسلح افتادند که از طرفی زنبای روستای بطرفشا سفت پرتاب میکردند و از طرف دیگر صیادان با تفنگهای شکاری به آنها تیراندازی میکردند . آنها وسط رودخانه گیر افتاده بودند و پس از ساعتی به کنار رودخانه آمدند و بر دم آنها را محاصره کردند و کتک جانانهای به آنها زدند و یک محیط بان کت و داشته و از ترس تیراندازی نکرد پس از به آب انداختن و لجن مال کردن آنها صیادان کاری کردند که آنها فرار را بر قرار ترجیح دادند .

آنچه پس از واقعه انزلی در این شهر دیده میشود :

ماهیگیران اخیرا از تحویل ماهی جهت نگهداری در سردخانه شیلات خودداری میکنند . بنا به گفته یکی از کارکنان شیلات / این موزه اصلا ضرورتی ندارد . در حال حاضر هم ماهی را خوب صید میکنند . تیر ماهی بسیار زیادی به وسیله ماهیگیران آزاد بر روی کاذب شده اند . قرار دادهای بین البلی با آمریکا و کشورهای اروپایی هنوز با برجاست صیادان شرکت تیماوتی حال دیگر آزاد صید میکنند و خود میفروشند و ماهیهای صید شده را به شیلات تحویل میدهند .

مسائل مربوط به بازار صید ماهی

این روزها بندر انزلی پر از ماهی است . هر صفازه گاشی / بقالی / سبزی فروش ماهی نیز در بندر دارد . در سال ۵۱ سال اخیر این اولین بار است که مردم میبینند ماهی " حراج " شده است . قیلا وقتی مردم از شنبه بازار (جایی که ماهیها را تقسیم کرده و بفروش میمانند) عبور میکردند / چهره شان غیور گرفته بود و با نثار چند قحط سبزه سبزه کرائی و کبوتر ماهی / بازار را ترک میکردند / ولی حالا در هر گوشه ای از این بازار مردم با خوشحالی میتوانند ماهی بخورند . طبق یک خبر در روز

از جمله آثار وضع جدید که بوضوح دیده میشود / بیستگه مرطباتی که از کارخانه کماهی جوجه سازی امینیا لیست شده اند مانده در اولین مغازه های مرغ فروشی انباشته شده / گوشت گاو و گوسفند فراوان شده و همیشه در قصابیها موجود است (که در واقع نشانه بی اعتنائی مردم به این مواد غذایی خارجی در حضور غذاهای داخلی است) . مرغابی و چنگر که خوراک خانوادگی های کم درآمد است ارزان شد / این وضع از استرا تا استرآباد جریان دارد و بیشک در ارزان مایحتاج زندگی اثر میدارد . شمالیها هم با توجه به طوبت فراوان و همچنین ارزانی و فراوانی ماهی در این منطقه صرف ماهیشان زیاد است (با توجه باینکه ماهی در این منطقه صرف خلی سفید است) چون در پیشگیری از تعدادی از امراض متداول در این ناحیه از جمله رماتیسم استخوانی که در این صفازه زیاد دیده میشود / تاثیر فراوان میدارد . چون عملا در مناطق صید / زاندرم و ماهورین محیط نیست حضور ندارند که هر دم از ماهیگیران باج بخواهند و به خرج اوتریال بکشند و مرغی بخورند و تیرین ع را غم / بگیرند و بپاره کنند / اگر وضع حاضری پیش نیاید / قیمت ماهی در کولک بندی دریا افت خواهد کرد .

عده ای از صیادان و اهالی ده " جیر ده " که در کیلومتر ۱۰ شهر رشت / نزدیک زمینهای وزارت جنگ (مجتمع گشت و صنعت و پر امیروری) قرار دارد / با تورهائی ماهیگیری و " بره " به استخر بزرگ ضلعی به وزارت جنگ که ماهیهای بسیارش تولید می نماید / بزرگ آورده و شش به صادره ماهیهای آن استخر نمودند (در روزهای ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ - آبان ۵۸) . توضیح اینکه این استخر قبلا توسط سرایان گارد محافظت میشد و بعدا توسط پاسداران

بندر فرحناز (کیشهر)

در این منطقه ضیاع آن ظاهر نیستند قوانین دست و پا گیر شیلات را بش گذر / حاکم باشد . آنها میخواهند آزاد عید کنند . این صیادان ماهی صید شده را اکثرا به رشت میبرند زیرا بر آنجا به قیمت بهتری از آن خریداری میکنند . در این منطقه اکثر کسانی که برای شیلات تور میکشند / تکه زمین ناچیزی دارند که کباب خن آنان را نمیدهند به همین جهت ۶ ماه از سال در استخدام شیلات هستند . در مناطق صید گیلان / ماهیهای صید شده توسط صیاد به شور کوباکون / به سناک عرضه میگردد . ناعادلانه ترین شکل عرضه در انزلی بصورت " صیالنه " است که در آن صیادان برای سرمایه دار صید میکنند و عادلانه ترین شکل آن بدینگونه است که ماهیگیران برای خود صید میکنند و پس از از قیمت گذاری بوسیله دلال / شماک / از باب هر تومان / ششای یک ریال از ماهی فروخته شده صیاد کمتر میشوند (شماک بر صیداران)

دست امید پر بالیزم و چیره خواران
داخلی آنها از منابع طبیعی
کشور ما کوتاه باد

اخبار و گزارشات

اصل

شریکا. روز پنجشنبه ۱/۱/۵۸ آمل شاهد تظاهراتی بود که از سوی دهقانان در مقابل نماختن مقر سهامیاداران انقلاب اسلا می انجام شده بود. قضیه بدینقرار بود که چندی پیش چند هنگار زمین موجود در این روستا/توسیط زمینداران شهری که قبلا "مالکیت آنها در اختیار داشتند به یک وکیل دادگستری (عاشق) و شرکایش فروخته شد. این خریداران زمین را متعلق به خود میدانند در حالیکه دهقانان بخصوص روستائیان بی زمین ملک را اراضی را حق خود میدانند. چند روز پیش عده ای از خریداران شهری برای تصرف زمین اقداماتی بعمل آوردند اما تلاشهای آنان به وسیله روستائیان عقیم ماند. سپس یکی از خریداران بنام قنادی با تعدادی پاسدار به روستا رفتند و روستائیان را که در زمینهای مورد دعوا حضور داشتند مورد بیورش قرار دادند در نتیجه تیراندازی پاسداران چندین نفر مجروح شدند و زنی که مورد اصابت گدای تفنگ یکی از پاسداران واقع شده بود/ از ناحیه سینه دچار آسیب دیدگی گشت. نخستین دهقانان از اعمال شقاوت انگیز و بیشرمانه این اجیرشکلان بحدی زیاد بود که شبانه (ساعت ۱۰ شب) دست به تظاهرات اعتراض آمیز زده ضمن محکوم کردن این اعمال ننگین خواستار آزادی دستگیرشدگان واقعه و جوازات عمواف برآهاند ازنده این جنایات شدند (یکی از دهقانان اهل محل پس از ده روز تا زکیها از زندان آزاد شده است).

مش همیشه در دوران ارتکاب این اعمال را بیگانه میگرداند و خود را از هرگونه گناهی صرا میدانستند چنانکه پاسداران در پاسخ روستائیان معترض اظهار داشتند "هرتکبیل حتما" شهرمان چو یا کیمته چو بودند وما چو بیسن کاری نمیکنیم" این آقایان کشتار خلقها و زحمتکشان در نقاط مختلف مملکت را چگونه توجیه میکنند؟ دم خروس را باید قبول کرد یا قسم حضرت عباس را؟!

سابق

شنبه ۳ آذر ماه ۵۸ علی اکبر ایمانی یکی از زمینداران بزرگ بابک که وابسته به ساواک نیز بوده به چند دهقان میافتند. دهقانان که تعداد آنها به ۳۰۰ نفر میرسید ساورا در شهر گردانده و ضمن دادن شمارهای "رقبهر ایمانی" / "رقبهر ساواکی" / ناصربه را بهوسی اداره کشاورزی میبرند تا در آنجا کارهای اداری تصرف زمینی را که او در اختیار گرفته بود. با انجام رسانند. دهقانان حین راهپیمائی یکمدا اظهار میداشتند که "باید زمینهای تحت اختیار او را بین خود تقسیم کنیم" یکی از دهقانان که پشت خشمگین بود قصد داشت او را ضروب نماید. دهقان دیگری اظهار میداشت "چند سال قبل ایمانی با خراب کردن چندین خانه روستائی سبب کشته شدن چندین زن و بچه گردید". دهقان دیگری عقیده داشت که باید ما روستائیان خودمان او را محاکمه و اعدام کنیم.

ساری

روز شنبه ۳/۱/۵۸ فریاد مرگ بر شاه "تعدادی روستائی که در مقابل دادگستری سناری اجتماع کرده بودند توجیه عاقرین را بخود جلب کرد. فریادی که در طنین خود در واقع قوانین و ضوابط رژیم سابق را که همچنان برقرار مانده اند

مورد حمله قرار میداد علت اجتماع روستائیان بی اعتنائی مراجع قانونی به تظلمات آنها بود. روستائیان به اقدام مسئولین جهت بنای يك مدرسه در یکی از قرا' اطراف فرح آباد معترضین بودند. تقصیر بدینقرار بود که ه هکتار از زمینهای شخصی بنام هاشمی (از زمینداران فرازی) بین ۷۰ خانوار ساکن این قریه تقسیم شد. این شخص یکی از کارکنان غیر رسمی شاهپور عبدالرضا را استفاده از کسائی مثل هاشمی / مرضوی / ... زمینهای روستائیان را مورد غارت خود قرار میداد. هاشمی ها با استفاده از این موقعیت خود / یعنی نزدیکی با شاهپورها تجاوزات قانونی غیر قانونی میسازد انجام میدادند. همه روستائیان بیاد دارند که چگونه شاهپور محمود رضا مراتع ۷۰۰۰ هکتاری دهقانان را بکله همین افراد ویا استفاده از امکانات فنی و مالی اداره آبادانی و مسکن بزرگت خود در آورد و باز همه دهقانان بخوبی بخاطر دارند که پس از اصلاحات ارضی همین شخص چگونه در کنار همکاری با شاهپور ها / زمینهای دهقانان را مورد تجاوز خود قرار دادند.) و اکنون میخواهند در وسط زمین مذکور مدرسه ای بنا کنند. این عمل گذشته از آنکه یقیناً روستائیان امکان تجاوز به زمینهای اطراف را فراهم میکند / بلکه قطعه زمین لازم برای بنای ساختمان مدرسه را از دست کسان خارج میکند که فرزندان یتیم یکی از شهدای انقلاب میباشند. این تجاوز بیشرانه برای روستائیان یادآور همان تجاوزات رژیم قلیبی به تمام شئون و حریم زندگی آنان بود و آنان میخواستند بیاسخ خون مسنگر خوبی برای ارج گذاری به جانبازی این شهید با اعتراض و خویش حقوقی حقه وی را محفوظ نگه دارند. البته این اقدام پس از آن صورت گرفت که مسئولین به پیشنهاد روستائیان دایر بر واگذاری زمین مورد نیاز در بخش دیگری از همان ه هکتار که قسمت کناری آن بود وقتی به نهباده شبانه با حمایت مأمورین پاسگاه ژاندارمری به درون زمین ریخته ساختمان مدرسه را آغاز کردند. در حین جمع جلوی دادگستری یکی از روستائیان فریاد میکشید: اثر لازم باشد به ژاندارمری حمله و آنرا غلبه سلاح میکنیم تا کتون بخش از زمین بار شکایت کردیم اما جوابی نشنیدیم.

در جریان این اجتماع پیرمردی روستائی مورد حمله و ضرب و شتم فردی خارج از جمع قرار گرفت که واگتسایزین را بر انگیزت لحظاتی بعد سرورگه پاسدارها پیدا شد. آنها یکی از روستائیان را بازداشت کرده در اتومبیل انداختند تا ببردند اما روستائیان که دست در دست یکدیگر متحدان به این اقدام دست زده بودند میدانستند که پشت کردن به یارانیشان بهخمس ناکافی و شکست خواهند بود دستجمعی راه حرکت اتومبیل را سد کرده گفتند یا همه را ببرد یا هیچکس را. در نتیجه تعدادی از آنان تا حد ظرفیت با اتومبیل و قیفه پیاده بدنیال آنها براه افتادند در حالیکه در بین راه زمینان سختی از انحاء و همینستکی بر علیه زور و ستم بود.

میترا زار

شرکت دانه های رضی که شاخه ای از شرکتهای زنجیره ای (با شاخه های تهران دام پارس شرکتهای دانه های رضی آمل / کیاکاد / بهمنیر / سارن / بهشهر ۷۰۰۰) میباشد بین باید و یا بلسر / با ۱۱ کارمند و کارگر (۱ نفر قسمت حسابداری / ۴ نفر قسمت سوزن زنی / یک نفر افت زنی / یک نفر متصدی پاسکون / یک نفر کارمند دفتر رئیس شرکت / تعداد نظر مهندس شرکت از ۱۰ همراه سان جاری آغاز بکار نمود. از وقتی که سرمایه های امیرالیستی / هموم به همه بخشهای اقتصاد ملی / از جمله کشاورزی را تخریب کردند سازماندهی اقتصاد بوسی که بر عین نیازمندیها بازار داخلی تکامل می یافت از هم پاشید و اقتصاد بیگانه گشت محصولات و رانجین کرد که نه تنها مورد نیاز اساسی ما نبودند بلکه ثمرات آن ها نیز بدیه بیگانگان سراف زیر شدند که وظیفه بر آوردن نیازهای غارتگرانه امیرالیسم را بر عهده داشتند. شرکت فون نیز از جمله همین شرکتهاست بهعین جهت شرکتهای مختلفه در همه شاخه های تولیدی مثل قالی از زمین سبز شدند که

که دانه های روغنی را به قیمت بسیار زیاد از دهقانان خریداری میکند. این شرکتها/ حتی به این حد از چپاول نیز بسنده نمیکنند آنها در گذشته/ با حمایت دولتهای دست نشانده و کمک قوانین و ضوابطی که ابتدائی ترین حقوق کارگران را میسر میزدند یا میزدند (و هنوز هم برقرارند) / کارگران استدعا می کنند خود را به بشماره ترین وجهی / مورد هر نوع رفتاری که منافعی کثیف خودشان را تأمین کند قرار میدادند و به انتظار کارگران ما برای آنکه اکنون شاهد لغو این قوانین و تخریب روابط پیشین باشند / پاسی مثبت داده نشد. کارگران شرکت فون نیز باین قانون کار پیشین به استخدام در آمدند که بموجب آن کارفرما حق اخراج کسانی را که کمتر از ۳ ماه و ده روز کار کرده باشند / دارد. پس از مدتی ۷ نفر از کارگران و کارمندان را به بهانه کم شدن قدرت خرید شرکت و عدم توانایی در پرداخت دیون / پس از ۴ روز کار / اخراج کردند.

(اصل)

همین چندین پیس بود که عین همین جریان / در شرکت "مدلار" نیز اتفاق افتاد. شرکت با توسل به همین قانون دوش از کارگران را که نزدیک به ۳ ماه کار کرده بودند اخراج نمود و این براساس توهینی است نسبت به این زحمتکشان که مشارکت آنها در انقلاب مبرکت که پوز / امیرالیسم را در خاک میپس ما برای همیشه ب خاک پیالده .
(در مورد "مدلار" لازم به یاد آوری است که پس از این تصمیم کارفرما / سایر کارگران به این امر اعتراض نمودند و به ضرر کار ترفند و آنقدر پی گیری نمودند که کارفرما ناچار شد کارگران اخراجی را بسر کار باز گردانند .

گزارش فنی از خانه کارگر

دوشنبه ۲۴ آبان : جریات زیر از گروه های کارگران در خانه کارگر تهیه شده است .
ابتدا یکی از کارگران پشت میزوفن قرار گرفت و سختی را از توضیحاتی در مورد جریان روزی آغاز نمود . وی گفت: در پیروز در حدود ۵۰۰ نفر کارگر رو / از کارخانه های مختلف برای تصرف خانه کارگر بسیج کرده بودند / با این تبلیغات که این کارگر سر ما / آمریکائی هستند و چند نفر رو گردان گرفته و دشمن او دادند که تا گردانهای آمریکائی داخل سفارت آزاد نشوند / ما اینها را آزاد نمیکنیم" (۱۱) ما خونسرد و با آرای در خانه کارگر رو باز کردیم و همگی رو دعوت به نشستن نمودیم . یکس از اوها گفت " . . . گوئی این "چین ما" / گوئیستها" / آمریکائی ما" کجا هستند ؟ بعد از اینکه ریختن قیافه ما را دیدند فهمیدند که بابا چیزی نیست و ما هم مثل خودمون / کارگران هستیم که با آمریکا هم تماس نداریم / از کاری که تا آگاهانه انجام داده بودند پشیمان شدند . وی در ادامه سخنان خود افزود که امروز آه حرب میزدیم به ما میگفتند / خرابکار / حالاییگن ضد انقلاب آمریکائی / افریقاش" (۱) نه / ما ایرانی هستیم و سفارمان اینه" کار بدون سرمایه های آمریکائی سامیرالیستس" حالا چند تا از رفقای کارگر دعوت میکنم بیان اینجا از وضعشون حرب بزنن تا معلوم بشه آمریکائی کیسه؟

کارگر بعدی ۶۳ ماهه بیگار / کار بهم نمیدن / ۸۰۰۰ هزار تومن فرسودم و همش خورده شد / تا بچه دارم / ۲ بچ گرایه خونته ندارم . خونتهام هم / اعازاده حسن . . . هر کی باور نمیکه بره بیینه . . .
دیشب میخواستم خودمو بیندازم زیر تریلی / نداشتم . آخه من با چی / چطوری به بچه ما برسیم؟ الان فقط ۵ تومان تسو جیبمه / با این پول چکار میتونم بکنم؟ از برادرها و خواهرها میگویم نظر بدن / آخه من شد انقلابم؟ ببینید جورابو ما در از دعات برای فرستاده . دمپایی می پوشم چون گشند از ارم رفتم کمیته قم انداختنم بیرون / گفتند برو تهران / اونجا یسه عده آذوند بودند که فقط بهمون زنده میدادند میخواستیم بدونیم این ۳۰ میلیون تومان پول نفت کجا میره؟ اقل" روزی ۲۰ تومنش را بدن به ما . سینه کارگر بعدی از ابتدای خود به بیماری و انتهای روشویی که به او زده بودند و تشکیل شورا برای تأسیس بیمارستان سخن گفت و افزود که در این رابطه چه دوندگیها از این کمیته به آن یکی و از این دادسرا به آن دادسرای دیگر و بعد هم به وزارت کار کرد تا کار پیدا کنولی / موفق نشد آنگاه سخنگری کارگران گفتند ما نفر اینجا مثل این دوستان نشسته اند

اوتنهایی که به ما میگویند آمریکائی / بدون آن که ما عاقلیم که اینجا هستیم / کارگریم / گرسنه ایم ونداریم

آمریکا / آمریکا / مریک به نیرنگ تیر

سپس کارگر دیگری رشته سخن را بدست گرفت . او که دارای ۱۸ سال سابقه کار در ایالات متحده ای بود از مدارک بال بسیار سابقه کاری بود گفت منظر ما قبل از قیام انقلاب بودیم ولی حالا عند انقضای شدیم .

من آمریکا نیستم ولی کابینه ای که از توش ساواکسی در من آمد انقلابیست ؟!

چرا رادیو سلتویزیون صدای ما را پخش نمیکنند ؟ عله این همون رادیو سلتویزیون نیست که خودمون محاصره اش کردیم ؟

حالا شده ما یک نفر که میگه رادیو ... ما با برنده هاست . خوب تو پاپرتهای یا هزاران مثل من ؟

ببینید چطور می خواهند مارو تیروی همدیگر ببندازند ؟ میشب کارگرها رو فرستادن بیان مارو بیرون کنند ولی ما کارگرها

با هم چنگی نداریم میائید یکی شوم تا به خواسته هامون برسیم . یک دست همدا نداره باید با هم یک صدای

یک دل / دنبال راه چاره باشیم . تنها راه چاره اتحاد است .

بعد از آن چند کارگر دیگر از درد های زندگیشان سخن گفتند تا آنکه کارگری به پشت میکروفن رفت و اعلام کرد که گفته

پیش یاسداران یکی از کارگران را دستگیر کرده و ممنوع آزادن کرده اند . پس از آن که کارگر دیگری پارهای از مشکلات

کارگری از قبیل بیمه حقن و بیمه بیکاری را بر سر مرده آقای شیک پوشی پشت میکروفن غرور گرفت و اظهار داشت که بیمه

بیکاری تدوین شده و به شورای انقلاب فرستاده شده و قرار است به تمام کارگران بیکار داده شود .

در این بین چون عده ای پیشنهاد راهیمایی بسوی سفارت آمریکا را داده بودند / نماینده کارگران بیکار پشت میکروفن

قرار گرفت ای سخنان گفت : هر روز ما رویه جا فرستادن / از فرور به اسپیدی و خواست ما

بچیز است که تا گرفتن بر سه اینها از پای نخواهیم نشست و آنه قرار بود که سرما رو سیره نمانند تا حالا داده بودند

راجع به رفتن به سفارت من نه موافقم / نه مخالف / من با حرکت موافقم که حتی با هم باشیم ولی شخصا " بمنوان یک

نماینده نگریم اینه که مخالفم . کس میگه با رفتن به سفارت ما ضد امپریالیستیم؟ ضد امپریالیست بودن یعنی صادر کردن

اعوان سرمایه داران درون کشور . یعنی صادره / گس ساختمانهای شمال شهر که ما وابستگان به آمریکا ست بنفیع

زحمتکشان / یعنی تا " بین زندگی زحمتکشان حکومت ما امپریالیست نمی تونه حامی کارگران باشه تا

کس حرف ؟ عمل !

حیثیتهای کوتاه ؛
کالسه سری الکه خواجه وندی که در رژیم قلی / یک میلیون و دویست هزار تومان / از شرکت تعاونی کیاسر / اختلاس

اختلاس کرده بونه اکنون نماینده " بنیاد مستضعفین " در کالسه و محومه میباشد .

سازی

روز دوشنبه ۵ / ۹ / ۵۸ / دختران فانی التحصیل مدرسه عالی بهداشت / در بیمارستان واقع در میدان ششم بهممن

سابق متحصن شدند . تعصن آنان بخاطر اعتراض به بیکاری صورت گرفت .

اعواز

در تاریخ ۲۶ آبان ماه ۵۸ در شهر اهواز توسط گروهی غیر مذمعی تظاهراتی ضد آمریکائی بر پا شد که طی آن تظاهر

کنندگان همان شعارهایی را که این روزها بر علیه آمریکا داده میشود تکرار میکردند . ولی کویا عده ای از غلاتومه

حتی حمله به سیاست آمریکا را هم منحصر بخود دانسته و نمی خواهند اجازه دهند که گروههای دیگر شعارهای ضد امریکائی بدهند !! از این نظر هنگامیکه تظاهر کنندگان از محله لشکر آبان اغواز میگذاشتند با سنگ و چاقو مورد حمله عدوهای از فالتو ها قرار گرفتند که در نتیجه منجر به زخمی شدن ۳ دانشجو میشود . تظاهر کنندگان در نظر مهاجمین را که اقدام به ضروب نمودن دانشجویان کرده بودند دستگیر و خواستار میشوند که باید بوضع موجود رسیدگی شود . در این زمان هرگونه پاسداری پیدا میشود و با شلیک چند تیر عوائق ظاهرا "تظاهر کنندگان را متفرق میکنند و لیسون در فایقی بعد تظاهر کنندگان میداند " اجتماع کرده و شمار میداند که باید در مهاجم دستگیر شده محاکمه شوند . در این هنگام مهاجمین به حمله خود شدت بخشیده و زود انفجور را بگروگان میکوبند . در گری تا شب ادامه میدهد و ساعت ۸ شب باوج خود رسیده این بار مهاجمین با لشکر کثیف خود بشدیدترین وضعی حمله نموده ضمن شکستن شیشه های دانشگاه و دادن رگیلهترین فحشها ۱۵ دانشجو را که اکثرا آنها دختر بودند ضروب نموده اند که همه آنها در نتیجه ضربات وارده بیهوش شده و در زیرها رستانهای اغوازی بستری میگرددند . هنگام محاصره مهاجمین پاسداریان بطرف خون سردانه مشاهده عاجزا بوده و هیچگونه انفالی که مانع از حمله مهاجمین نشود بصلای نمی آورند .

همانطوریکه انتظار میرفت

تکبیر از هواداران * چسبکهای فدائیس خلق ایران * در اروپا

پیش بینی سازماندهی مسلح نیروها